

## شناسایی و اندازه‌گیری شاخص استحقاق در بانکداری اسلامی

moalla57@yahoo.com

حمزه معلی / دانشجوی دکتری اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی  
دریافت: ۹۷/۰۳/۲۹ پذیرش: ۹۷/۰۹/۰۷

### چکیده

تحقق عدالت اقتصادی یکی از آرمان‌های مهم بانکداری اسلامی است. عدالت اقتصادی در بانکداری اسلامی به معنای مراعات حقوق اقتصادی افراد در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی است. همچنین تحقق عدالت اقتصادی در بانکداری اسلامی، مشروط به تحقق معیارهای چهارگانه کارایی، برابری، استحقاق و توازن است. این تحقیق به روش تحلیلی - توصیفی، از بین معیارهای ذکرشده، به بررسی و شاخص‌سازی معیار استحقاق در بانکداری اسلامی خواهد پرداخت. تحقق استحقاق‌ها در نظام بانکداری اسلامی را می‌توان با شاخص‌هایی همچون انجام کامل تعهدات مندرج در قرارداد، پرداخت حق حاکمیت در دریافت سپرده‌های قانونی و پرداخت بموقع دیون و مطالبات سنجید.

کلیدواژه‌ها: معیار، شاخص، عدالت اقتصادی، استحقاق، بانکداری اسلامی.

## مقدمه

کاربرد عدالت اقتصادی در متون اسلامی و از بین معیارهای چهارگانه کارایی، برابری، استحقاق و توازن، به بحث شاخص‌های رعایت استحقاق در نظام بانک‌داری اسلامی خواهیم پرداخت.

## پیشینه بحث

درباره معیار استحقاق به‌عنوان یکی از معیارهای تحقق عدالت در نظام بانک‌داری اسلامی، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است؛ ولی به طور کلی در زمینه معرفی شاخص عدالت اقتصادی، جهت ارزیابی عملکرد بانک‌داری اسلامی چند مقاله و کتاب وجود دارد که به طور ضمنی به بحث استحقاق نیز اشاره دارد؛ یعنی تنها در پژوهش‌های صورت‌گرفته - که به شکل کلی به بررسی شاخص‌های بانک‌داری اسلامی پرداخته شده - برخی از فصول و بخش‌های این تحقیقات به این موضوع اختصاص یافته است. در ادامه به بعضی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها اشاره می‌نماییم:

۱. فصل اول کتاب *درآمدی بر شاخص‌های بانک‌داری اسلامی* (محقق‌نیا، ۱۳۹۴)، به شاخص عدالت‌محوری در بانک‌داری اسلامی پرداخته و ضمن آن، حقوق اقتصادی در بانک‌داری اسلامی را نیز بررسی کرده است.

۲. فصل سوم کتاب *شاخص‌های ارزیابی بانک‌داری اسلامی* (موسویان، ۱۳۹۲)، تحت عنوان شاخص‌های عملکردی بانک‌داری بدون ربا، به استخراج شاخص‌های عدالت اقتصادی پرداخته است. هرچند وی به طور مستقل به بررسی شاخص‌هایی بر اساس معیار استحقاق، در نظام بانکی نپرداخته است، ولی برخی از شاخص‌ها را می‌توان در این بخش نیز استفاده کرد.

از دیگر تحقیقات صورت‌گرفته که به شکل عام به مفهوم عدالت و شاخص‌سازی برای آن پرداخته‌اند، می‌توان به مقاله «شاخص بانک‌داری اسلامی» (توکلی و کریمی، ۱۳۹۳) و کتاب *درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن* (رجایی، ۱۳۹۴) اشاره نمود. تحقیق حاضر از مبانی نظری منابع فوق استفاده برده و بیشتر از دو کتاب *شاخص‌های ارزیابی بانک‌داری اسلامی* (موسویان، ۱۳۹۲) و *درآمدی بر شاخص‌های بانک‌داری اسلامی* (محقق‌نیا، ۱۳۹۴) اقتباس نموده و کوشیده است قدری مسئله را گسترده کند و بحث شاخص رعایت استحقاق‌ها در بانک‌داری اسلامی را در یک بخش مستقل قرار دهد.

حدود چهار دهه از تأسیس نخستین بانک‌های بدون ربا در کشورهای مسلمان می‌گذرد. در این مدت، این بانک‌ها توسعه قابل‌توجهی داشته‌اند؛ به‌طوری‌که امروزه در غالب کشورهای اسلامی و حتی در برخی کشورهای غیرمسلمان، شاهد رشد چشمگیر نظام بانک‌داری بدون ربا هستیم. فارغ از اختلاف‌نظری که بین اقتصاددان‌های مسلمان بر سر تعریف بانک‌داری بدون ربا و بانک‌داری اسلامی وجود دارد، بیشتر کشورهای یادشده به دنبال تأسیس بانکی اسلامی هستند و این امر تأمل در بحث‌های بانک‌داری اسلامی را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌کند.

اقتصاد اسلامی نظامی جامع و دارای ابعاد و زیرنظام‌های گوناگون است که همگی در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند. بانک‌داری اسلامی نیز یکی از این زیرنظام‌هاست، که صورت اجرایی و عملی به خود گرفته است و این قابلیت را دارد که در معرض آزمون تجربی قرار گیرد. از این‌رو لازم است در تعامل با سایر نهادهای اقتصادی اسلام (مانند دولت اسلامی، قرض‌الحسنه، وقف، زکات، خمس، صدقات و...)، اهداف نظام اقتصادی اسلام (عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی، قدرت اقتصادی و استقلال اقتصادی) را تأمین نماید. بنابراین، بانک‌داری اسلامی در کنار انجام وظایف خود، مانند جمع‌آوری سپرده‌ها، دادن وام، اعتبار و خدمات بانکی، وظیفه دارد فعالیت‌های خود را در راستای تأمین عدالت اقتصادی و مصالح اجتماعی به‌عنوان یکی از وظایف ذاتی خود، انجام دهد. از سوی دیگر، به دلیل ابهام در مفهوم عدالت اقتصادی و رابطه و جایگاه آن در نظام بانک‌داری اسلام، در این تحقیق ابتدا به تعریف آنها خواهیم پرداخت.

موفقیت بانک‌داری اسلامی می‌تواند چشم‌انداز روشنی از اقتصاد اسلامی را به تصویر بکشاند و از این نظر اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. همان‌گونه که پرداختن به عدالت اقتصادی و ارائه یک تعریف شفاف، دقیق و عملیاتی از آن برای مدیریت توسعه کشورمان ضروری است، برداشت‌های نادرست از عدالت و انتخاب شاخص‌های نامناسب نیز به گواه تجربه تاریخی، می‌تواند پرهزینه باشد.

ما در این تحقیق صرفاً به دنبال استخراج و معرفی شاخص‌ها از ادله اسلامی هستیم، بنابراین ممکن است در ارائه الگوی عملیاتی از این شاخص‌ها، با وزن‌دهی به آنها بتوانیم برخی از آنها را حذف یا با یکدیگر ادغام یا ترکیب کنیم. همچنین در شاخص‌سازی بر اساس

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. شاخص

شاخص در لغت، به اندازه، پیمانه، ترازو، سنگ محک (معین، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۴۲۴۶)، وسیلهٔ سنجش اشیا (شرتونی لبنانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۵۲)، نمونه یا مدل (فرهنگ، ۱۳۷۹، ص ۵۲۸) معنا شده است. در اصطلاح، تعاریف مختلفی برای شاخص بیان شده است. برخی شاخص را یک راهنمای آماری دانسته‌اند که می‌تواند تغییرات یک متغیر را نسبت به زمان پایه نشان دهد (خلعت‌بری، ۱۳۷۱، ص ۶۰۶)؛ برخی نیز شاخص را «ارزش مشخصهٔ تغییر نسبی یک رقم در فاصلهٔ زمانی دو تاریخ یا در نقاط مختلف»، یا «معیاری که روند تغییر یک متغیر را نشان می‌دهد» تعریف کرده‌اند (فرهنگ، ۱۳۷۹، ص ۵۴۵ و ۵۴۶).

شاخص‌ها، یا در خارج قابل لمس و اشاره‌اند یا آنکه به صورت مفاهیم و مضامین غیرقابل اشاره می‌باشند. شاخص‌های نوع اول «کمی» و شاخص‌های نوع دوم «کیفی»‌اند. شاخص‌ها وظیفهٔ اندازه‌گیری نسبت وضعیت موجود به وضعیت مطلوب را بر عهده دارند؛ یعنی مشخص می‌کنند که تا چه اندازه به هدف خود نزدیک شده‌ایم. در نتیجه می‌توان گفت که شاخص برای خلاصه کردن و اندازه‌گیری مجموعه‌ای از متغیرهای کمی یا کیفی به کار می‌رود و هدف از آن نمایان نمودن تغییرات یک متغیر در طول زمان است که از طریق مقایسهٔ این تغییرات در طول زمان، نتایج مفیدی دربارهٔ وضعیت یا عملکرد یک نهاد یا مجموعه فراهم می‌نماید (خاکی، ۱۳۷۸، ص ۹۲).

به‌منظور تدوین شاخص رعایت استحقاق‌ها به‌عنوان یکی از معیارهای تحقق عدالت در بانکداری اسلامی، ابتدا به رابطهٔ عدالت و بانکداری اسلامی خواهیم پرداخت و بعد از آن به تبیین انواع حقوق، و معیاری جهت ارائهٔ شاخص برای سنجش آنها در نظام بانکداری اسلامی خواهیم پرداخت. در نهایت، برای هر کدام از این شاخص‌ها نام‌گیری تعیین خواهد شد. نام‌گرها نشانه‌هایی‌اند که امکان اندازه‌گیری اجزای مختلف از مفهوم مورد بررسی را فراهم می‌کنند (رجایی، ۱۳۹۴، ص ۴۱، به نقل از: کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲).

### ۱-۲. بانکداری اسلامی

در این تحقیق، منظور از بانکداری اسلامی، مفهومی اعم از بانک‌ها و مؤسسات مالی، بانک مرکزی و سیاست‌ها، قوانین و روابط نظام بانکی است؛ یعنی دایرهٔ عملکرد بانک، در کادر محدود نظام بانکی و

قوانین آن خواهد بود که این قوانین بانک را به سمت اهداف نظام اقتصادی سوق خواهد داد.

تبیین چیستی بانکداری اسلامی نقشی اساسی در تعیین شاخص‌های پیشنهادی رعایت استحقاق‌ها در حوزهٔ بانکداری اسلامی خواهد داشت. برای نمونه، اگر همسویی با اهداف نظام اقتصادی اسلام را یکی از ابعاد بانکداری اسلامی بدانیم، وظایف جدید و شاخص‌های احتمالی جدیدی را باید برای آن در نظر بگیریم. بانکداری اسلامی عبارت است از «نظامی جهت تجهیز و تخصیص منابع پولی بر مبنای ضوابط اسلامی و همسو با اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام، بخصوص عدالت، و دارای رابطهٔ متقابل با سایر بخش‌های نظام اجتماعی اسلام».

براساس این تعریف، تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام، از جمله عدالت، به عملکرد نظام بانکی نیز وابستگی خواهد داشت؛ زیرا نظام بانکداری در اسلام بخشی از نظام اقتصادی اسلام است؛ و اگر مثلاً توازن منطقه‌ای را از جمله اهداف نظام اقتصادی اسلام بدانیم، رسیدن به این توازن از جملهٔ حقوق افراد در مناطق مختلف کشور خواهد بود. این نگاه باعث خواهد شد تا نظام بانکی نیز بعد از تعیین و شناخت جایگاه و وظایف خود در قبال این هدف، همسویی با آن گام بردارد و تأمین این هدف نظام اقتصادی اسلام به عملکرد نظام بانکی اسلام نیز بستگی داشته باشد.

آنچه در این تعریف موردنظر است، اولاً، اسلامی‌سازی فرایندهای درونی نظام بانکی، و ثانیاً ایجاد بانکداری اسلامی به‌عنوان عنصری از نظام اقتصادی اسلام است که تأمین‌کنندهٔ اهداف این نظام نیز می‌باشد.

دربارهٔ رابطهٔ بانک و بانکداری اسلامی باید گفت: بانک به‌عنوان یکی از عناصر اصلی نظام بانکی، اگرچه یک مؤسسهٔ انتفاعی است و سودآوری جزو اهداف آن شمرده می‌شود، ولی این آزادی بانک در سودآوری مشروط به انجام مقررات و سیاست‌های نظام بانکی است و نظام بانکی نیز مقررات و سیاست‌های خود را در راستای اهداف نظام اقتصادی اسلام بنا خواهد کرد. همچنین با توجه به اینکه یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام، عدالت اقتصادی است، بنابراین گردش پول و اعتبار در راستای تحقق این هدف، از وظایف نظام بانکی می‌باشد. به عبارت دیگر، نظام بانکی در درون نظام اقتصادی اسلام باید وظایف ذاتی خود را به‌گونه‌ای انجام دهد که

مرتبط با این چهار گروه و شاخص‌های آن می‌توان گفت که عدالت استحقاقی در بانک‌داری اسلامی تحقق یافته است.

بخش مهمی از حقوق اقتصادی در زمینه نظام بانکی، مربوط به قراردادهای بانکی است. بی‌تردید در این تعامل حقوقی نباید حق هیچ‌یک از طرفین معامله پایمال شود. این نکته باید هم در بانک‌های خصوصی و هم در بانک‌های دولتی رعایت گردد. منظور از شاخص‌های استحقاقی، آن دسته از شاخص‌هاست که به سنجش میزان پایبندی و حفظ حقوق چهار گروه یادشده، از جمله طرفین قرارداد، در بانک‌داری اسلامی می‌پردازد. خداوند متعال در سوره «اسراء»، به رعایت عهد و پیمان‌ها سفارش کرده است: «به پیمان (خود) وفا کنید؛ زیرا که از پیمان پرشش خواهد شد» (اسراء: ۳۴).

به اعتقاد مفسران، این آیه معنای عام دارد؛ بدین معنا که هم شامل عهدهای خصوصی می‌شود که فرد با فرد یا فرد با دولت یا مؤسسه‌ای می‌بندد و هم شامل عهد و پیمان‌هایی می‌شود که در میان ملت‌ها و حکومت‌ها منعقد می‌گردد؛ چنان که شامل پیمان‌های الهی و رهبران آسمانی با امت‌ها، و امت‌ها با آنها نیز می‌شود (طباطبائی، ۱۳۶۲، ج ۵ ص ۱۶۲-۱۶۴). همچنین خداوند متعال در آیه نخست سوره «مائده» می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها و قرارها وفا کنید».

نکته مهم آن است که حتی در معاملات بخش خصوصی، در صورتی که یکی از طرفین حش را دریافت نکرد، اما به هر دلیلی شکایت نکرد، در حقیقت ظلم را پذیرفته است (انظلام). بی‌تردید این نوع از ظلم، که مظلوم حتی نتواند در خصوص پایمال شدن حق خود شکایت کند، اجرای عدالت نظام بانکی را بیشتر زیرسؤال می‌برد. امیرمؤمنان علیؑ لازمه عدالت را پایان دادن به ظلم می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «من لوازم العدل التناهی عن الظلم» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۶). در جایی دیگر، رسیدگی به حقوق مظلومان، از مهم‌ترین علل پذیرش حکومت توسط ایشان مطرح می‌شود (ر.ک: نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۳).

بنابراین با توجه به مذمومیت پذیرش ظلم در آموزه‌های اسلامی، در صورتی که حاکمیت، سهام‌دار، سپرده‌گذار، متقاضی تسهیلات یا کارکنان، به دلایلی مجبور به پذیرش ظلم شوند، بی‌عدالتی رخ داده است. بنابراین، عدالت در بانک‌داری اسلامی بدون احترام به مفاد قراردادهای شرعی و قانونی و استیفای تمامی حقوق طرفین اجرا نخواهد شد؛ چه مظلوم شکایت کند و چه شکایت نکند (ر.ک: محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۰۵-۱۲۰).

تأمین‌کننده اهداف نظام اقتصادی اسلام، از جمله عدالت اقتصادی باشد و از این طریق نسبت به تحقق این اهداف مسئول است.

از آنجاکه رعایت استحقاق‌ها در نظام بانکی بخشی از جریان تحقق عدالت اقتصادی در بانک‌داری اسلامی است، ابتدا به بررسی عدالت در بانک‌داری اسلامی و رابطه آن با استحقاق خواهیم پرداخت.

### ۱-۳. عدالت اقتصادی در بانک‌داری اسلامی

عدالت اقتصادی به معنای مراعات حقوق اقتصادی افراد در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی است (آقانظری، ۱۳۸۴) و بر حسب کاربرد آن در متون اسلامی، معنایی شامل تساوی، دادن حق هر صاحب حق به او، توازن یا نبود تفاوت درآمدی فاحش، اعتدال و «وضع الشیء فی موضعه» را شامل می‌گردد. بر مبنای کاربرد واژه عدالت اقتصادی در متون اسلامی، رعایت استحقاق‌ها نیز یکی از معیارهای تحقق عدالت اقتصادی خواهد بود. بنابراین، از جمله وظایف بانک‌داری در اسلام، حرکت در راستای تأمین و استیفای این حقوق در جامعه است. به بیان دیگر، هر چند بانک مؤسسه‌ای انتفاعی است، اما در کادر محدود نظام بانکی و قوانین آن به سمت اهداف نظام اقتصادی سوق پیدا خواهد کرد.

اگر در نظام بانک‌داری اسلامی هریک از افراد به حق خود دست یابد، نظام بانک‌داری عدالت‌مدار است. بنابراین در زمینه مسائل بانک‌داری اسلامی، باید انواع حقوق اقتصادی فرد، جامعه و حکومت تعیین گردد. میزان استیفای این حقوق، بیانگر میزان رعایت عدالت در سیستم بانک‌داری اسلامی است.

### ۲. معیار رعایت استحقاق در بانک‌داری اسلامی

امیرمؤمنان علیؑ در خطبه سی و هفتم *نهج‌البلاغه* یکی از معانی عدل را «اعطاء کل ذی حق حقه» به معنای حق را به حق‌دار دادن، دانسته است که این مهم از طریق رعایت حقوق افراد، جامعه و حکومت امکان‌پذیر است. در ادامه به تبیین این معیار و برشمردن انواع این حقوق در بانک‌داری اسلامی، به منظور ارائه شاخص‌ها و ناگره‌هایی برای سنجش این حقوق در نظام بانک‌داری اسلامی خواهیم پرداخت.

در نظام بانکی، دو گروه عمده مردم و حاکمیت دارای حقوقی هستند. مردم در ارتباط با بانک به سه بخش عمده سهام‌دار، سپرده‌گذار و متقاضی تسهیلات تقسیم می‌شوند. با استیفای حقوق

### ۳. انواع استحقاق در بانکداری اسلامی

به‌منظور استیفای حقوق فرد، جامعه و حکومت در حوزه بانکداری اسلامی، باید ابتدا حقوق اقتصادی آنها تعیین گردد. در صورتی که این حقوق استیفا شود، می‌توان ادعا کرد که عدالت در نظام بانکداری محقق شده است (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۵۵).

با توجه به کارکرد اصلی سیستم بانکی - که همان تجهیز و تخصیص منابع پولی است - ما نیز به بررسی حقوق بخش‌های ذکر شده در این تقسیم‌بندی اشاره خواهیم نمود:

#### ۳-۱. استحقاق در «تجهیز منابع بانکی»

بانک‌ها وجوه مازاد را جمع‌آوری می‌کنند و با دادن وام به متقاضیان، وظیفه سنتی خود یعنی واسطه‌گری میان سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان را ایفا می‌نمایند. معمولاً در فعالیت‌های یک بانک، جذب منابع مالی از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا موفقیت در این زمینه می‌تواند عاملی برای موفقیت در زمینه‌های دیگر باشد (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۶۳).

بانک‌ها نمی‌توانند با خدمات ساده و ساختار سنتی بانکداری، به تجهیز منابع بپردازند و به تغییرات اساسی نیاز دارند. برای مثال، بانک‌ها در زمینه‌های مالی غیربانکی، خدمات متعددی به مشتریان ارائه می‌دهند و ارائه خدمات نوین بانکداری مانند سرمایه‌گذاری، انجام امور بیمه و مسکن و تولید باعث شده است منابع جدیدی به سوی بانک‌ها سرازیر شود.

در نظام بانکی سنتی، تجهیز منابع با توجه به قوانین بانکداری اسلامی از دو طریق انجام می‌شود:

۱. جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز، که منابع مالکانه نامیده می‌شوند؛

۲. جذب سپرده‌های مدت‌دار، که منابع وکالتی نامیده می‌شوند (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۶۲).

در شاخص‌هایی که برای ارزیابی رعایت استحقاق‌ها، در بانکداری اسلامی ارائه خواهد شد، توجه به حقوق طرفین، در تجهیز منابع بانکی اهمیت فراوانی خواهد داشت، که از جمله آنها می‌توان به حقوق سهام‌داران، سپرده‌گذاران، کارکنان و دولت اسلامی اشاره کرد. هر کدام از این گروه‌ها از حقوق مالی و غیرمالی در قبال یکدیگر برخوردارند که رعایت آنها منجر به تحقق عدالت اقتصادی در بخش تجهیز منابع بانکی خواهد شد. شاخص‌های سنجش این حقوق در آینده خواهد آمد.

#### ۳-۲. استحقاق در «تخصیص منابع بانکی»

رکن دوم در هر نظام بانکی، «تخصیص منابع» است. بانک‌ها با عملیات اعتباری خود، موجبات انتقال منابع را از اشخاصی که مستقیماً مایل و یا قادر به مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی نیستند، به آنان که برای انجام امور اقتصادی نیازمند سرمایه‌اند، فراهم می‌سازد و به این ترتیب نقش بسزایی در سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال و توزیع درآمد ایفا می‌نمایند. این بخش از فعالیت بانک، که نقش بیشتری در برقراری عدالت اقتصادی در جامعه دارد، با انواع حقوق افراد و جامعه عجین شده است که در صورت استیفای تمام این حقوق، عدالت اقتصادی در نظام بانکی تحقق می‌یابد (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۷۲). از جمله آنها می‌توان به چهار گروه عمده «حقوق مشتریان»، «حقوق طرفین قرارداد»، «حقوق سهام‌داران»، «حقوق جامعه» و «حقوق حکومت» اشاره کرد.

مشتریان بانک علاوه بر حقوقی که به واسطه قراردادهای برای آنها ایجاد می‌شود، به طور عمومی نیز دارای حقوقی هستند که عبارتند از: آگاهی از قوانین و مقررات؛ آگاهی از سیستم و روند کار اداری؛ تسریع در ارائه خدمات؛ برخورد کریمانه و مؤدبانه و بدون خشونت و اهانت؛ دسترسی آسان به مدیران و مسئولان مربوطه؛ و عدم تبعیض در بهره‌مندی از خدمات بانکی.

حقوق طرفین قراردادهای بانکی عبارت است از: التزام به انجام کامل تعهدات؛ و پرداخت ب موقع دیون و مطالبات.

در بخش تعیین شاخص و جهت استیفای این حقوق و برقراری عدالت در بانکداری اسلامی، این حقوق تعیین و بررسی خواهد شد.

استیفای این حقوق، در ضمن توزیع عادلانه منابع بانکی و درآمد بانکی معنا پیدا می‌کند. بنابراین لازم است تا نقش نظام بانکی در توزیع عادلانه منابع و درآمد بانکی نیز تعیین شود.

#### ۴. نقش نظام بانکی در توزیع عادلانه منابع بانکی

در هر اقتصادی، به‌طور طبیعی گروهی از مردم با اینکه سرمایه نقدی قابل توجه در اختیار دارند، به دلایل مختلف نمی‌توانند یا نمی‌خواهند خودشان به صورت مستقیم وارد فعالیت اقتصادی شوند و ترجیح می‌دهند از نهادها و واسطه‌های مالی استفاده کنند. یکی از باسابقه‌ترین، رایج‌ترین و مؤثرترین واسطه‌های مالی، نظام بانکی است. نظام بانکی با استفاده از شعب گسترده و با بهره‌گیری از انواع

سیاست‌گذاران نظام بانکی در بانک‌داری اسلامی، مراقبت از همسویی تخصیص منابع با اشتغال و رشد مستمر اقتصادی است؛ و در مقام تعارض بین منافع فرد و جامعه، باید ضمن توجه به عدم تزییع حقوق افراد، اهداف نظام اقتصادی اسلام، از جمله تحقق عدالت اقتصادی در جامعه، هدف‌گذاری شود.

#### ۱-۴-۲. رعایت حقوق فردی و جمعی

یکی از ویژگی‌های برجسته نظام اقتصادی اسلام نسبت به نظام‌های اقتصادی دیگر آن است که نه منافع فرد را فدای منافع اجتماع می‌کند و نه به‌خاطر منافع فرد، مصالح جامعه را نادیده می‌گیرد. مطابق قوانین بانک‌داری بدون ربای ایران، بانک وکیل سپرده‌گذاران است و به مقتضای وکالت، متعهد است منابع آنان را در فعالیت‌های اقتصادی سودآور، با رعایت حقوق جامعه و اهداف نظام اقتصادی اسلام، سرمایه‌گذاری کند و سود حاصله را بعد از کسر حق‌الوکاله، در اختیار سپرده‌گذاران قرار دهد. بنابراین، مسئولان و سیاست‌گذاران نظام بانکی وظیفه دارند قوانین و مقررات بانکی را به گونه‌ای وضع کنند که در راستای رعایت منافع سپرده‌گذاران و جامعه اسلامی به طور هم‌زمان باشند.

#### ۵. نقش نظام بانکی در توزیع عادلانه درآمد (سود بانکی)

اسلام رابطه حقوقی قرض با بهره بین صاحبان سرمایه نقدی و کارفرما را ظالمانه و در ردیف پیکار با خدا و رسول دانسته و به‌شدت با آن مبارزه می‌کند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ. فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتِغُوا فَلَکُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِکُمْ لَا تُظْلَمُونَ وَلَا تَظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۸ و ۲۷۹): ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از مخالفت

فرمان خدا بپرهیزید و آنچه را که از ربا مانده است، رها کنید، اگر ایمان دارید. اگر چنین نمی‌کنید، اعلان جنگ با خدا و رسول بدهید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از آن شماست؛ نه ظلم می‌کنید و نه بر شما ظلم وارد می‌شود.

با وجود این، اسلام به صاحبان پول اجازه داده است از طریق عقود اسلامی با عامل اقتصادی و کارفرما در فعالیت اقتصادی شریک شوند و از سود واقعی سهمی را بردارند. این تغییر، بازتاب فراوانی در

سپرده‌ها، سرمایه‌های ریز و درشت، کوتاه‌مدت و بلندمدت را از سراسر کشور جمع‌آوری و به سرمایه‌های کلان و باثبات تبدیل می‌کند؛ سپس آنها را در قالب انواع تسهیلات بانکی در اختیار متقاضیان وجوه قرار می‌دهند (موسویان، ۱۳۹۰، ص ۲۳۸-۲۴۰).

همان‌طور که قبلاً نیز گذشت، بانک اسلامی باید بر اساس اهداف نظام اقتصادی اسلام، از جمله عدالت اقتصادی، جهت‌گیری و حرکت کند. بنابراین، توزیع منابع نیز در بانک اسلامی باید عادلانه باشد. این توزیع عادلانه دارای ویژگی‌هایی است که در ادامه به بیان آنها خواهیم پرداخت.

#### ۱-۴-۴. ویژگی‌های توزیع منابع در نظام بانک‌داری اسلامی

در بانک‌داری سنتی به دلیل حاکمیت نظام سرمایه‌داری از یک‌سو، و ماهیت حقوقی حاکم بر روابط بانکی از سوی دیگر، عناصر اصلی مشارکت‌کننده در عملیات بانکی (سپرده‌گذاران، بانک و متقاضیان تسهیلات)، عناصر کاملاً مجزا از هم بوده و هر یک به دنبال منافع خاص خود می‌باشند و در مواردی نیز این منافع در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. در نقطه مقابل این وضعیت، بانک‌داری اسلامی است. در بانک‌داری اسلامی، به دلیل حاکمیت نظام اقتصادی اسلام از یک‌سو، و ماهیت حقوقی روابط مالی از سوی دیگر، بین عناصر اصلی مشارکت‌کننده در عملیات بانکی، پیوند برقرار شده و مجموعه‌ای واحد با منافی مشترک با ویژگی‌های ذیل به وجود آمده است (ر.ک: همان، ص ۳۴۰):

#### ۱-۴-۱. همسویی بانک با سیاست‌های کلان نظام اسلامی

در نظام اقتصادی اسلام، وجوه سپرده‌گذاری‌شده، به یک معنا متعلق به سپرده‌گذاران و بانک است و آنان حق تصمیم‌گیری در باره اموال و دارایی‌های تحت اختیارشان را دارند، که باید به نحو شایسته مدیریت شوند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

به‌درستی که بقای اسلام و مسلمانان در این است که اموال نزد کسانی باشد که حق آن را می‌دانند و می‌توانند به نحو صحیح از آن استفاده کنند؛ و همانا فتنای اسلام و مسلمانان در این است که اموال آنان در اختیار کسانی باشد که حق آن را نمی‌شناسند و نمی‌توانند به روش صحیح از آنها بهره‌برداری کنند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۵۲۱).

ولی استیفای این حق باید در چارچوب اهداف نظام اقتصادی اسلام صورت گیرد. براین اساس، یکی از وظایف سنگین مسئولان و

### ۶. شاخص‌های استحقاق

همان‌طور که بیان شد، یکی دیگر از معیارهای تحقق عدالت اقتصادی در نظام بانکی معیار، استحقاق در عقود بانکی است. شاخص‌های زیر جهت تحقق این معیار پیشنهاد می‌گردد:

#### ۶-۱. شاخص رعایت حق سهامداران در آگاهی از فعالیت‌های بانک

داشتن اطلاعات کافی و به‌موقع، شرط موفقیت سهامداران است. سهامدارانی که از رانت‌های اطلاعاتی برخوردارند، می‌توانند با تصمیم‌گیری‌های به‌موقع موجب افزایش منافع خود، و به‌تبع آن موجب ضرر سهامداران دیگر شوند. بنابراین با توجه به حق سهامداران در رابطه با وضعیت کلی بانک، عدم تبعیض در اطلاع‌رسانی به‌موقع می‌تواند باعث اجرای عدالت میان سهامداران بانک‌ها در این زمینه باشد. برای بررسی این شاخص، به بررسی میدانی و توزیع پرسش‌نامه میان سهامداران نیاز داریم. میزان سهامداران موافق «داشتن اطلاعات کافی و به‌موقع» نسبت به کل سهامداران، نماگر این شاخص خواهد بود.

#### ۶-۲. شاخص رعایت حق مشتریان در آگاهی از مقررات و روند کاری بانکها

در نظام بانکی، آگاهی ارباب رجوع از قوانین و مقررات و روند کاری، ضروری و الزامی است و از تضييع بسیاری از حقوق مشتریان جلوگیری می‌کند. اطلاع‌رسانی همگانی و بدون تبعیض در مورد قوانین و مقررات نظام بانکی نقش بسزایی در این امر دارد. علاوه بر ضرورت آشنایی با مقررات اداری، آگاهی داشتن از نوع سیستم کار اداری، ترتیب، تقدم و تأخر مراجع پاسخ‌گو نیز در رفع سردرگمی مشتریان نظام بانکی مؤثر است. هرچه اطلاع‌رسانی عموم بانک‌ها در زمینه آموزش همه مشتریان (بدون هیچ تبعیضی) بیشتر شود، با بالا رفتن آگاهی و اطلاعات مشتریان و شناخت آنها از حقوق خود، زمینه استیفای حقوق مشتریان بیشتر تضمین می‌شود. از این رو برابری مشتریان در آگاهی از مقررات و قوانین، شاخص مناسبی برای تحقق عدالت در بانک‌هاست. نماگر این شاخص، با جمع‌آوری نظر مشتریان و سنجش میزان رضایت ایشان، از طریق پرسش‌نامه به‌دست خواهد آمد (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۸۵).

بخش‌های مختلف اقتصادی بر جای می‌گذارد که مهم‌ترین آنها تقسیم عادلانه سود و زیان احتمالی فعالیت‌های اقتصادی بین دو عامل اصلی تولید، یعنی کار و سرمایه است (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۵۳).

مطالعه دقیق قراردادهای بانک‌های اسلامی در بخش‌های تجهیز و تخصیص منابع، نشان می‌دهد غیر از قرارداد قرض‌الحسنه - که ماهیت غیرانتفاعی دارد - همه قراردادهای ماهیت انتفاعی دارند. نرخ سود، رابطه‌ای است سه‌گانه و مستقیم بین بانک، سپرده‌گذار و سرمایه‌گذار؛ به نحوی که بانک اسلامی - که خود یک بنگاه اقتصادی و انتفاعی است - در رأس مثلث، به‌عنوان وکیل یا عامل سپرده‌گذاران، سرمایه‌های نقدی آنان را در قالب اعطای تسهیلات در طرح‌های موجه اقتصادی و عمرانی به کار می‌گیرد و در پایان دوره مالی، پس از کسر درصدی از سود به‌عنوان حق الوکاله، مابقی را بین سپرده‌گذاران تقسیم می‌کند (عیوضلو، ۱۳۸۶، ص ۵۸).

در واقع بانک‌های اسلامی به‌عنوان نهادهای مالی وظیفه دارند سرمایه‌های نقدی جامعه، و بانک مرکزی به‌عنوان نماینده دولت برای رعایت مصالح جامعه در بخش پولی از باب «اعطاء کل ذی حق حقه»، نرخ‌های سود سپرده‌ها، تسهیلات بانکی، حاشیه سود خود بانک و کارمزدهای بانکی را به صورتی تنظیم کنند تا مصالح زیر را به تعادل برسانند:

۱. منافع سپرده‌گذاران به‌عنوان صاحبان سرمایه‌های نقدی و موکلان بانک؛

۲. منافع متقاضیان تسهیلات به‌عنوان مشتریان بانک؛

۳. منافع خود بانک به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۲۴۲).

قیمت منابع مالی یا در واقع نرخ سود واقعی یا بازده واقعی این منابع، تابعی از نرخ سود اسمی، میزان امتیاز ریسک و امتیاز مدت، به نرخ تورم سررسید می‌باشد (مهدوی نجف‌آبادی، ۱۳۸۱، ص ۴۹).

اکنون بعد از تعیین نسبت و رابطه بین عدالت و نظام بانکداری اسلام، و تعیین وظیفه بانک در حرکت در راستای اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام و مصالح جامعه اسلامی به‌منظور دستیابی به عدالت اقتصادی، همچنین رعایت معیار استحقاق به‌عنوان یکی از معیارهای تحقق عدالت اقتصادی در بانکداری اسلامی، لازم است به تعیین شاخص‌هایی به‌منظور سنجش آن در نظام بانکی اسلام بپردازیم.

### ۶-۳. شاخص رعایت حق مشتریان در دسترسی آسان به مدیران و برخورد کریمانه با ایشان

بی‌تردید دسترسی برابر مشتریان به مدیران و مسئولان ذی‌ربط و رفتار کریمانه و مؤدبانه و پرهیز از خشونت و اهانت کارکنان نسبت به مشتریان بر اساس منابع اسلامی، یکی از حقوق مسلم مشتریان نظام بانکی است و عدم تبعیض و برابری مشتریان در موارد یادشده، از شاخص‌های عدالت در نظام بانکی محسوب می‌گردد. به‌منظور محاسبه این شاخص می‌توان از فرم‌های نظرسنجی استفاده نمود (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۸۶).

### ۶-۴. شاخص استیفای حقوق سهام‌داران در سود و ذخایر بانک

بی‌تردید مهم‌ترین حق مالی سهام‌داران، حق برخورداری از سود و تصمیم‌گیری دربارهٔ ذخایر بانک است؛ به‌گونه‌ای که هرگونه کاستی در پرداخت سود سهام‌داران، خلاف عدالت بانکی است. میزان دستیابی سهام‌داران بانک‌ها به سود حاصل از فعالیت‌های آن می‌تواند شاخصی مناسب برای استیفای حق پیش‌گفته باشد (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۹۲). منظور از سود، سود قابل تقسیم است که شامل سود خالص سال مالی بانک منهای زبان‌های سال‌های مالی قبل و اندوخته قانونی (نصف سود خالص هر سال) و سایر اندوخته‌های اختیاری، به‌علاوه سود قابل تقسیم سال‌های قبل - که تقسیم نشده است - می‌باشد (همان). تعیین میزان حق برخورداری سهام‌داران از سود و ذخایر بانکی، طبق مفاد قرارداد بین بانک و سهامدار می‌باشد؛ بنابراین نماگر این شاخص، میزان التزام به مفاد قرارداد، است و تخلف از این قرارداد از عدالت نظام بانکی می‌کاهد.

### ۶-۵. شاخص انجام کامل تعهدات مندرج در قرارداد

در تعامل حقوقی نباید حق هیچ‌یک از طرفین معامله پایمال شود و طرفین باید به تمامی تعهدات مالی و غیرمالی خود عمل نمایند. میزان کاهش نسبی معوقات مشتریانی که توانایی پرداخت دارند، عدم انحراف تسهیلات دریافتی از مورد قرارداد و همچنین عدم تخلف بانک‌ها در انجام به‌موقع تعهدات، شاخص‌های مناسبی برای اجرای عدالت در این زمینه محسوب می‌گردد. نماگر این شاخص، میزان التزام به مفاد قراردادهاست (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۹۴).

### ۶-۶. شاخص پرداخت به‌موقع دیون و مطالبات

پرداخت به‌موقع دیون و مطالبات، یکی از مسائلی است که در معاملات مدت‌دار بانکی مطرح است و پرداخت دیون و بدهی‌ها در سررسیدهای مقرر، حق مسلم طرفین قرارداد است. لذا کاهش نسبی میزان معوقات بانکی در اجرای عدالت نظام بانکی نقش بسزایی دارد (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۹۴). بنابراین میزان استیفای این حق، یعنی میزان کاهش نسبی معوقات بانکی، می‌تواند نماگر مناسبی برای سنجش پرداخت به‌موقع دیون و مطالبات باشد.

### ۶-۷. شاخص حق حاکمیت در دریافت سپرده قانونی

یکی از حقوق حاکمیتی در نظام بانکی، دریافت سپرده قانونی از بانک‌هاست. بانک‌ها برابر قانون وظیفه دارند درصدی از سپرده‌های مردم را به صورت ذخیره قانونی در بانک مرکزی نگه دارند و با بقیه سپرده‌ها به فعالیت‌های بانکی و گسترش حجم پول بپردازند. هرچه نرخ ذخیره قانونی بیشتر باشد، گسترش حجم پول کمتر خواهد بود؛ و هرچه این نرخ کمتر باشد، قدرت پول‌آفرینی بانک‌ها بیشتر می‌شود؛ بنابراین بانک مرکزی می‌تواند با تغییر نرخ ذخیره قانونی، ضریب فزاینده پولی، و در نتیجه حجم پول را تغییر دهد (فرزین‌وش و فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱).

عدالت اقتصادی هنگامی محقق خواهد شد که بانک‌ها حق حاکمیت در سپرده قانونی را درست و کامل و به‌موقع بپردازند. بنابراین سنجش صحت و دقت عملکرد بانک در پرداخت به‌موقع این مبالغ می‌تواند به‌عنوان نماگری در عملکرد بانک به‌منظور استیفای حق حاکمیت محاسبه گردد.

### ۶-۸. شاخص انطباق قراردادهای بانکی با فقه اسلامی

قراردادهای بانکی نقطه آغازین اعطای تسهیلات بانکی بین افرادی که تسهیلات دریافت می‌کنند و بانک است. در فقه اسلامی قواعدی وجود دارد که دستورات و احکام شرع مقدس پیرامون آنها مطابق وجود مصالح و مفاسدی در موضوع آن است. از جمله آنها، ممنوعیت ربا، ممنوعیت غرر، ممنوعیت ضرر و احراز قصد جدی در معاملات است. همان‌گونه که بر اساس ادله عقلی و نقلی، گرفتن ربا ظلم و نقطه مقابل عدل است، هم غرر، ضرر و صوری شدن معاملات نیز همگی مخالف عدالت‌اند. در معیار استحقاق بیان شد که طرفین قرارداد در بانک دارای حقوقی‌اند که عدم رعایت آنها مخالف عدالت در نظام بانک‌داری



چنان‌که به دلیل اثرات زیان‌بار ربا بر نظام اقتصادی جامعه، نبود ربا در معاملات بانکی حقی برای جامعه نیز هست. بنابراین می‌توان گفت نبود ربا در معاملات بانکی یک شاخص برای سنجش میزان عدالت در نظام بانکداری اسلام خواهد بود. به‌منظور بررسی عملیات بانکی بر اساس قاعده ممنوعیت ربا لازم است عملیات بانکی در بخش تخصیص منابع (اعطای تسهیلات) مورد توجه قرار گیرد. برخی از مواردی که در بانک‌ها ممکن است موضوع این

شاخص قرار گیرند، عبارت‌اند از:

۱. وجود بندهایی در قراردادهای بانکی که شبهه ربوی دارند؛ مانند بندهایی که نرخ سود انتظاری را به‌عنوان سود قرارداد در نظر می‌گیرند که این منجر به شبهه ربا می‌شود (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۱۷۴).
۲. در جایی که منابع حاصل از قراردادهای مختلف صرف خرید و فروش کالاهای غیرموضوع قرارداد می‌گردد، معامله فضولی تحقق می‌یابد. اگر بانک به این معامله رضایت دهد، معامله صحیح، و در غیر این صورت معامله باطل و تصرف در مبلغ قرارداد در این چارچوب حرام است؛ و چون این مبلغ، بدهی گیرنده تسهیلات به بانک است، پرداخت مازاد، ربا می‌شود (همان، ص ۱۷۲).
۳. گاهی طرفین معامله یا یکی از این دو، به دلیل عدم اطلاع از قانون بانکداری بدون ربا و تفاوت آن با بانکداری ربوی یا به دلیل عدم اعتقاد به تفاوت بین این دو نوع نظام بانکی، یا دلایل دیگر، قصد جدی درباره مفاد عقود اسلامی نمی‌کنند؛ بلکه صورت عقد اسلامی را پوششی برای انجام عملیات قرض با بهره قرار می‌دهند. بدین ترتیب، منابع حاصل از قرارداد، به تملیک متقاضی تسهیلات درمی‌آید و هرگونه تصرفی را در آن می‌تواند انجام دهد و فرد متعهد به اصل پرداخت می‌شود؛ علاوه بر این، شرط مازاد نیز شده است و این شرایط خودبه‌خود معامله را به سمت ربوی شدن سوق می‌دهد (همان، ص ۱۶۵).
- همچنین در مورد عقود فروش اقساطی، جعاله، مشارکت مدنی و غیره، گاهی طرفین معامله یا یکی از این دو، قصد جدی درباره مفاد عقود اسلامی نمی‌کنند؛ بلکه صورت عقد اسلامی را پوششی برای انجام عملیات قرض با بهره قرار می‌دهند (میرمعزی، ۱۳۸۵).
- بدین ترتیب، منابع حاصل از قرارداد، به تملیک قرض‌گیرنده درمی‌آید و هرگونه تصرفی را در آن می‌تواند انجام دهد و فرد متعهد به پرداخت اصل می‌شود؛ علاوه بر این، شرط مازاد نیز شده است و این شرایط خودبه‌خود معامله را به سمت ربوی شدن سوق می‌دهد.

اسلامی است. بنابراین، از جمله این حقوق باید به رعایت قواعد فقهی یادشده اشاره کرد، که میزان موفقیت بانک در رعایت آنها، به‌عنوان شاخصی در رعایت حقوق مشتریان بانک پیشنهاد می‌گردد.

در ادامه به بررسی و تبیین هریک از این قواعد و ارتباط با عملیات بانکی می‌پردازیم و بعد از آن در نهایت نماگری جهت سنجش این شاخص ارائه می‌نماییم.

### ۱-۶-۸. قاعده ممنوعیت ربا

شاید مهم‌ترین و شاخص‌ترین تفاوت بین بانکداری اسلامی با بانکداری سنتی، ممنوعیت ربا باشد؛ درحالی‌که ربا و بهره در تار و پود بانکداری سنتی حضور دارد و به اشکال مختلف سپرده‌ها، وام‌ها و اعتبارات بانکی، کارت‌های اعتباری و در همه ابعاد بانکداری سنتی جریان دارد. اسلام با شدت تمام از آن نهی کرده و آن را از گناهان کبیره شمرده و مرتکب‌شونده آن را به عقاب دردناک اخروی بیم داده است. بحث درباره ربا و تبیین ابعاد مختلف آن نیازمند تحقیق مستقل و مفصل است. در این قسمت با رعایت اختصار، به اندازه نیاز به بررسی آن می‌پردازیم. حکم تحریم ربا و مستند بودن آن به قرآن و سنت و اجماع و اتفاق مسلمانان به‌قدری واضح است که جای هیچ بحث و گفت‌وگویی نمی‌ماند؛ به‌طوری‌که بسیاری از فقها تحریم ربا را از ضروریات دین می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۹۲).

ربا عبارت است از زیاده مشروط در قرارداد قرض. امام خمینی<sup>ع</sup> می‌گوید: شرط زیاده در قرض جایز نیست... و فرقی نمی‌کند که این زیاده عینی باشد مانند ده درهم به دوازده درهم؛ یا کاری باشد، مانند دوختن لباس برای قرض‌دهنده؛ یا استفاده از منفعتی باشد، مانند استفاده از عین رهنی که نزد قرض‌دهنده است؛ یا صفتی باشد، مثل اینکه درهم‌های شکسته را قرض دهد و شرط کند که درهم‌های سالم بگیرد (موسوی خمینی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۶۵۳).

لازم به تذکر است، زیاده با شرط، حرام است و بدون شرط اشکالی ندارد؛ بلکه برای قرض‌کننده از باب پرداخت نیکو، مستحب است که چیزی اضافه بپردازد (همان، ص ۶۵۴).

### – رابطه قاعده ممنوعیت ربا و عدالت در بانک

از آنجاکه ربا در منابع اسلامی ظلم تلقی شده و مخالف عدالت است، و نبود آن در معاملات را حقی برای طرفین معامله در نظر می‌گیریم؛

### ۲-۶-۸. قاعده ممنوعیت غرر

یکی دیگر از معیارهای فقه اقتصادی اسلام در بخش معاملات، ممنوعیت معاملات غرری است. عقد غرری به معنای عقدی است که وضعیت و شرایط انعقاد آن - که ناشی از جهل در اصل وجود مورد معامله (مبیع و ثمن)، یا جهل به صفات، یا شک و تردید نسبت به حصول آن است - موجب خطر مالی در معامله است (رفیعی، ۱۳۸۷، ص ۲۵-۲۲). به عبارت دیگر، معامله غرری معامله‌ای است که وضعیت و شرایط انعقاد آن برای یک یا دو طرف قرارداد زیان مالی به دنبال دارد و سبب ایجاد نزاع و کشمکش بین آنها خواهد شد.

### - رابطه قاعده ممنوعیت غرر و عدالت عملیات بانکی

بحث ممنوعیت غرر، یکی از مباحث مربوط به صحت یا عدم صحت قراردادهاست. به عبارتی، اجرای صحیح قراردادها از یک منظر می‌تواند به این معنا باشد که قرارداد غرری نباشد؛ و چون اجرای صحیح قراردادها جزو حقوق طرفین قراردادهای بانکی به‌شمار می‌رود، بنابراین نبود غرر در قراردادهای بانکی نیز یکی از قواعد شاخص انطباق قراردادهای بانکی با فقه اسلامی معرفی گردیده است.

به مقتضای معیار ممنوعیت غرر، باید تمام ارکان، عناصر و شرایط در جزئیات قراردادهای بانک‌های اسلامی شفاف و بدون هیچ ابهامی باشند. ابهام در موضوع قراردادها از نظر خصوصیات، شرایط (موضوع و مدت زمان بازپرداخت قرارداد) و اوصاف اساسی (قیمت، مقدار، جنس، شروط، درصد توزیع سود و هر آنچه که در ارزش معامله مؤثر است)، منجر به سوءاستفاده احتمالی مراجعان و تزلزل معاملات بانکی و در پی آن، غرری شدن آنها می‌شود. موضوع این قاعده در بانک می‌تواند عقود مبادله‌ای یا مشارکتی همراه با ابهام در قراردادهای بانکی باشد؛ مانند عقود مشارکتی‌ای که کیفیت یا درصد توزیع سود آنها ابهام دارد یا عقود مبادله‌ای‌ای که اوصاف اساسی موضوع قرارداد آنها ابهام دارد.

### ۳-۶-۸. قاعده ممنوعیت ضرر و ضرار

قاعده نفي ضرر، یکی دیگر از قواعد فقه اقتصادی اسلام در بخش معاملات است. گرچه فقها در تبیین مفاد و قلمرو قاعده، دیدگاه‌های ظریفی دارند، اما غالب آنها در این نکته توافق دارند که مقصود شارع از «لاضرر و لاضرار»، نفي وجود ضرر و ضرار در عالم شرع است و

شارع این نفي وجود را کنایه از عدم رضا و عدم امضای ضرر و ضرار در حوزه شرع قرار می‌دهد، گویا شارع می‌گوید، از آنجاکه ضرر و ضرار مورد رضایت و امضاء نیست در حوزه شرع و جامعه اسلامی تحقق پیدا نمی‌کند؛ و این شیوه از بیان، در نفي حکم تکلیفی و وضعی ضرر و ضرار بلیغ‌تر است (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۷۴).

### - رابطه قاعده ممنوعیت ضرر و ضرار و عدالت عملیات بانکی

مطابق قاعده ممنوعیت ضرر و ضرار، آن گروه از معاملاتی که اصل معامله یا یکی از اوصاف معامله یا نبود شرطی در معامله، منتهی به ضرر دیگری شود، از نظر شرع حرام و ضمان‌آور است و انجام قراردادها بدون ضرر، از حقوق طرفین قراردادهای بانکی به حساب می‌آید. براین اساس، بانک‌های اسلامی وظیفه دارند در تنظیم قراردادها و انجام فعالیت‌های بانکی، مقررات و احکامی را که موجب ضرر مشتریان است ملغی نمایند. موضوع این قاعده در بانک می‌تواند سود سپرده‌ها باشد؛ زیرا بالا بودن شاخص تورم و در نتیجه کاهش ارزش پول، سود واقعی منفی در نظام بانکداری اسلامی را در پی دارد که به ضرر و زیان سپرده‌گذاران منتهی می‌شود (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۱۸۴). همچنین این قاعده می‌تواند در سود تسهیلات عقود مبادله‌ای نیز مصداق داشته باشد.

### ۴-۶-۸. قاعده صوری نشدن معاملات

یکی دیگر از معیارهای انطباق با فقه اقتصادی اسلام، وجود قصد انشا در مرحله انعقاد قراردادها و صوری نشدن قراردادهاست. در قانون مدنی در چندین ماده بر بطلان عقد فاقد قصد، اشاره شده است؛ مثلاً در ماده ۱۹۵ مقرر داشته است: «اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید، آن معامله به واسطه فقدان قصد، باطل است».

متعاقدين باید مدلول لفظی را که تلفظ می‌کنند، قصد نمایند (انصاری، ۱۴۱۰ق، ص ۲۹۵). منظور این است که متعاقدين باید سه شرطی را که وجود آن (در بیع یا غیر بیع) ضروری است، رعایت کنند: اول) عاقد، قاصد لفظ باشد؛ یعنی هنگام صدور، متوجه بوده و قصد آن را داشته باشد. غرض از این شرط، اخراج لفظ صادره از غافل و نائم است؛ پس اثری بر لفظ صادرشده از این دو نیست؛ زیرا

اسلامی مندرج در این قانون باشد. اهمیت ندادن به این موضوع توسط طرفین و عدم نظارت مؤثر و کارا از سوی مراجع ذیصلاح، صوری بودن عقود را به امری شایع و همه‌گیر و در عین حال پذیرفته‌شده تبدیل نموده است. براین اساس، تسهیلات اعطایی در عملیات بانکی باید در مسیر صحیح مصرف گردد (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۸۰). موضوع این قاعده در بانک، موارد متعددی خواهد بود؛ از جمله: عدم قصد انشا در قراردادهای فروش اقساطی؛ اجاره به شرط تملیک؛ جعاله؛ سلف؛ مضاربه و قراردادهای مشارکت مدنی.

به‌منظور بررسی چنین شاخصی، نیاز به تشکیل کمیته‌های فقهی در بانک‌هاست تا با بررسی عقود میزان تخلفات فقهی از قواعد پیش‌گفته را بررسی و آمار آن را گزارش نماید. نسبت میزان این تخلفات به کل قراردادهای، به‌عنوان نماگر این شاخص پیشنهاد می‌گردد.

#### ۹-۶. شاخص حفظ ارزش پول ملی

ارزش پول ملی یکی از شاخص‌های نشان‌دهنده اوضاع اقتصادی هر کشوری است. پول در نظام بانکی باید به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری شود تا ارزش پول که نشانگر قدرت خرید صاحبان آن است، حفظ شود (سبحانی و امیرعلی، ۱۳۹۳). امام صادق علیه السلام درباره پول می‌فرماید: «اینها مهرها و سکه‌های خدا در زمین است. آنها را برای سامان‌یابی زندگی مردم قرار داده است و به‌وسیله آنهاست که کارهای مردم روبه‌راه می‌شود و نیازهای آنان برآورده می‌گردد» (حکیمی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۸). غزالی می‌گوید: «خداوند متعال درهم و دینار را در جایگاه حاکم و واسطه بین اموال آفرید تا اموال به‌وسیله آنها ارزش‌گذاری شوند» (غزالی، ۱۴۰۲، ص ۹۰). وی می‌افزاید: خداوند این دو را خلق کرد تا در بازارها و در دست مردم به جریان درآید و در جایگاه حاکم و داور عادل بین اموال و کالاها قرار گیرد؛ و حکمت دیگر آن است که از راه آنها، اشخاص به اشیای مورد نظر خود دسترسی حاصل کنند؛ زیرا این دو از فلزهای گران‌بها و کمیاب‌اند و اعیان و ذوات آنها مطلوب بالذات واقع نمی‌شوند و نسبت این دو با اجناس دیگر، نسبت واحد است و هرگاه شخصی به این دو دست یابد، مثل این است که همه چیز را در ملک خود دارد (شعبانی، ۱۳۶۹، ص ۲۵۶). ابن‌خلدون می‌گوید: «خداوند طلا و نقره را برای قیمت اشیا و اموال قرار داده است» (ابن‌خلدون، ۱۳۵۹، ص ۷۵۵). طبق روایت امام صادق علیه السلام و تعابیر غزالی و ابن‌خلدون، پول وسیله‌ای برای

هنگام صدور لفظ التفاتی به آن ندارند؛ مثل این سخن فرد که «آجرتک»؛ و حال آنکه اراده بیع دارد.

دوم) عاقد، قاصد معنا نیز باشد؛ یعنی انگیزه از استعمال لفظ در معنا، اراده ایجاد معنای لفظ در عالم خارج باشد؛ به عبارت دیگر، اراده ایجاد مُشأً با این لفظ - که وسیله ایجاد است - را داشته باشد. غرض از این شرط، اخراج هازل و لایع است؛ زیرا این دو فرد حقیقتاً و جداً اراده‌ای برای ایجاد مُشأً در خارج ندارند.

سوم) مدلول لفظ باید مطابق با معنای مراد باشد؛ یعنی لفظ در غیر ما وُضِع له، بدون علاقه و قرینه استعمال نشده باشد؛ مثل استعمال لفظ بیع در مورد اخبار یا استفهام؛ یا اینکه معنای مغایر با مدلول عقد اراده شود؛ مثل اراده قرض از لفظ بیع (انصاری، ۱۴۱۰، ص ۱۰۹).

تعریف معامله صوری: حقوق‌دانان در تعریف معامله صوری گفته‌اند: «معامله صوری معامله‌ای را گویند که طرفین قصد جدی برای به وجود آوردن آثار حقوقی آن معامله نداشته باشند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۹۸۰). بنابراین، معامله صوری معامله‌ای است که بدون قصد انشا و به ظاهر منعقد می‌شود؛ یعنی طرفین چنین وانمود می‌کنند که عقدی را منعقد ساخته‌اند؛ حال آنکه محتوای آن را قصد نکرده‌اند و قصد آنها بر خلاف صورت ظاهر عقد است. در این صورت، عمل حقوقی - که از جمله اعمال ارادی و انشایی است - به وجود نمی‌آید؛ زیرا در قرارداد صوری تلفظ وجود دارد؛ اما همراه با قصد معنا نیست یا اراده جدی در آن وجود ندارد. بنابراین، انشا محقق نمی‌شود.

#### رابطه قاعده صوری نشدن معاملات و عدالت در عملیات بانکی

صوری شدن معاملات در فقه و قانون ممنوع شده است؛ بنابراین، از جمله حقوق طرفین قراردادهای نظام بانکی، اجرای این قاعده است و در صورت عدم اجرای این قاعده، ضمن بطلان قرارداد، هریک از طرفین می‌تواند از طرف مقابل شکایت کند.

در حوزه بانکداری در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود قراردادهای منعقد به صورت صوری، در چارچوب یکی از عقود شرعی مندرج در قانون عملیات بانکی بدون ربا قرار گرفته‌اند، تا به هر صورت ممکن نیاز متقاضیان وجوه برآورده گردد. در این میان، به‌طور کلی نه بانک‌ها و نه متقاضیان وجوه حساسیتی از خود نشان نمی‌دهند که پرداخت و اخذ وجوه دقیقاً منطبق با یکی از عقود

با سایر بخش‌های نظام اجتماعی اسلام».

بنا بر این تعریف، تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام، از جمله عدالت، به عملکرد نظام بانکی نیز وابستگی خواهد داشت؛ زیرا نظام بانک‌داری در اسلام، بخشی از نظام اقتصادی اسلام است. آنچه در این تعریف مورد نظر است، اولاً، اسلامی‌سازی فرایندهای درونی نظام بانکی و ثانیاً، ایجاد بانک‌داری اسلامی به‌عنوان عنصری از نظام اقتصادی اسلام است که تأمین‌کننده اهداف این نظام نیز می‌باشد.

در نظام بانکی دو گروه اصلی «مردم» و «حاکمیت» دارای حقوقی هستند. مردم در ارتباط با بانک، به سه بخش اصلی سهام‌دار، سپرده‌گذار و متقاضی تسهیلات تقسیم می‌شوند. البته بخش مهمی از حقوق اقتصادی در خصوص نظام بانکی، مربوط به قراردادهای بانکی است. بی‌تردید در این تعامل حقوقی، نباید حق هیچ‌یک از طرفین معامله پایمال شود. بنابراین، منظور از شاخص‌های استحقاقی در نظام بانک‌داری اسلامی، آن دسته از شاخص‌هاست که به سنجش میزان پایبندی و حفظ حقوق چهار گروه یادشده، از جمله طرفین قرارداد، در بانک‌داری اسلامی می‌پردازد.

شاخص‌های زیر، برای سنجش عملکرد بانک اسلامی در استیفای حقوق بخش‌های نظام بانکی، پیشنهاد می‌گردد:

- شاخص رعایت حق سهام‌داران در آگاهی از فعالیت‌های بانک؛
- شاخص رعایت حق مشتریان در آگاهی از مقررات و روند کاری بانک‌ها؛

- شاخص رعایت حق مشتریان در دسترسی آسان به مدیران و برخورد کریمانه با ایشان؛

- شاخص استیفای حقوق سهام‌داران در سود و ذخایر بانک؛
- شاخص انجام کامل تعهدات مندرج در قرارداد؛
- شاخص پرداخت به‌موقع دیون و مطالبات؛
- شاخص حق حاکمیت در دریافت سپرده قانونی؛
- شاخص انطباق قراردادهای بانکی با فقه اسلامی؛

سامان زندگی و رفع نیاز مردم و نشانگر قدرت خرید مردم معرفی شده است؛ از این رو عدالت اقتضا می‌کند که سیاست‌گذاری در نظام بانکی به‌گونه‌ای باشد که ارزش پول - که سنج‌های از قدرت خرید مردم و وسیله رفع نیازها و سامان‌یابی زندگی بشر معرفی شده است - حفظ شود. بر این اساس، سیاست‌هایی که به کاستن ارزش‌داری یا کار مردم بینجامد، ممنوع خواهد بود (عیوضلو، ۱۳۸۶، ص ۴۵) و برای کسانی که از این امر متضرر می‌گردند، حق ایجاد می‌کند.

در نظام اقتصادی اسلام، حفظ ارزش پول ملی مانند نظام‌های دیگر بر عهده بخش پولی است. لازم به ذکر است که هرچند حفظ ارزش پول ملی را نمی‌توان مستقیماً به عملکرد یک بانک مرتبط کرد، ولی نظام بانکی به‌عنوان زیرمجموعه نظام پولی در اقتصاد اسلامی، موظف به حرکت در راستای تأمین اهداف این نظام است. حاصل آنکه نظام بانکی به‌منظور احقاق حقوق مردم، موظف است تا سیاست‌های خود را به‌گونه‌ای اجرا کند تا در راستای حفظ ارزش پول ملی باشد.

عملکرد بانک در این راستا مبتنی بر پرداخت نرخ ذخیره قانونی به بانک مرکزی است. بنابراین سنجش صحت و دقت عملکرد بانک در پرداخت به‌موقع این مبالغ می‌تواند به‌عنوان نمانگری در عملکرد بانک به‌منظور حفظ ارزش پول ملی محاسبه گردد.

این شاخص می‌تواند به دو بخش تقسیم شود: شاخصی برای کل نظام (اصل تورم ناشی از افزایش پایه پولی یا افزایش نقدینگی) و شاخصی برای عملکرد بانک‌ها (پرداخت ذخیره قانونی).

## نتیجه‌گیری

عدالت اقتصادی، به معنای مراعات حقوق اقتصادی افراد در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی است و بر حسب کاربرد آن در متون اسلامی، معنایی شامل تساوی، دادن حق هر صاحب حق به او، توازن یا نبود تفاوت درآمدی فاحش، اعتدال و «وضع الشیء فی موضعه» را شامل می‌گردد. بنابراین، رعایت استحقاق‌ها در نظام بانکی اسلامی یکی از معیارهای تحقق عدالت اقتصادی خواهد بود و نظام بانک‌داری اسلام به‌عنوان یک زیرنظام از نظام اقتصادی اسلام، موظف به حرکت در راستای تأمین آن خواهد بود.

بانک‌داری اسلامی عبارت است از «نظامی جهت تجهیز و تخصیص منابع پولی بر مبنای ضوابط اسلامی و همسو با اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام، بخصوص عدالت، و دارای رابطه متقابل

موسویان، سیدعباس، ۱۳۹۰، *کتاب دومین نشست اندیشه‌های راهبردی؛ عدالت*، تهران، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.  
 —، ۱۳۹۲، *شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی*، قم، زمزم هدایت.  
 موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۴۱۶ق، *تحریر الوسیله*، قم، جامعه مدرسین.  
 مهدوی نجف‌آبادی، سیدحسین، ۱۳۸۱، *مجموعه مقالات چهاردهمین همایش بانکداری اسلامی*، تهران، مؤسسه عالی بانکداری.  
 میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۵، «حیله‌های ربا»، *اقتصاد اسلامی*، سال ششم، ش ۲۴، ص ۹۵-۱۳۰.

## منابع.....

ابن‌خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۵۹، *مقدمه ابن‌خلدون*، ترجمه محمد پروین‌گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.  
 انصاری، مرتضی، ۱۴۱۰ق، *المکاسب*، تحقیق و تعلیق سیدمحمد کلانتر، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات.  
 آقانظری، حسن، ۱۳۸۴، «عدالت اقتصادی از نظر افلاطون ارسطو و اسلام»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۴، ص ۶۳-۷۸.  
 تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، تحقیق مصطفی درایتی، قم، مکتب‌الاعلام‌الإسلامی.  
 توکلی، محمدجواد و عبدالخالق کریمی، ۱۳۹۳، «شاخص بانکداری اسلامی»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، سال ششم، ش اول (پیاپی ۱۱)، ص ۷۱-۹۴.  
 جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۸، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش.  
 حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسایل‌التجیه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.  
 حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۶، *الحیات*، ترجمه احمد آرام، قم، دلیل‌ما.  
 خاکی، غلامرضا، ۱۳۷۸، *روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی*، تهران، مرکز تحقیقات علمی کشور.  
 خلعتبری، فیروزه، ۱۳۷۱، *مجموعه مفاهیم پولی بانکی و بین‌المللی*، تهران، شب‌ویز.  
 رجایی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۹۴، *درآمدی بر شاخص‌های اقتصادی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).  
 رفیعی، محمدتقی، ۱۳۸۷، *غرر در معامله*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.  
 سبحانی، حسن و محمد امیرعلی، ۱۳۹۳، «پژوهشی در استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا»، *اقتصاد اسلامی*، دوره چهاردهم، ش ۵۵، ص ۸۹-۱۲۰.  
 شرتونی لبنانی، سعید، ۱۳۸۵، *اقرب‌الموارد*، تهران، اسوه.  
 شعبانی، احمد، ۱۳۶۹، *سیستم‌های پولی، تحلیلی تطبیقی - فقهی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).  
 طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۲، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ سوم، تهران، کانون انتشارات محمدی.  
 عیوضلو، حسین، ۱۳۸۶، *شاخص‌های عدالت اقتصادی*، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.  
 غزالی، امام محمد، ۱۴۰۲ق، *احیاء العلوم‌الدین*، بیروت، دارالمعرفه.  
 فرزین‌وش، اسدالله و سعید فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱، «اندیشه: ذخیره قانونی بر سپرده‌های بانکی (ماهیت حقوقی و کارکرد اقتصادی)»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۷، ص ۱۹-۵۰.  
 فرهنگ، منوچهر، ۱۳۷۹، *فرهنگ علوم اقتصادی*، تهران، پیکان.  
 کیوی، ریمون و لوک وان کامپونهود، ۱۳۸۵، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، توتیا.  
 محقق‌نیا، محمدجواد، ۱۳۹۴، *درآمدی بر شاخص‌های بانکداری اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).  
 معین، محمد، ۱۳۶۳، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، امیرکبیر.